

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی عوامل توفیق در امتحانات الهی از منظر آیات و روایات

پدید آورنده: الهام اصلان^۱

۱. طلبه سطح دو، حوزه علیمه حضرت معصومه، شهرستان رودبار

چکیده

این پژوهش با عنوان * بررسی عوامل توفیق در امتحانات الهی از منظر آیات و روایات* می باشد. این تحقیق که به روش تحلیل محتوا و به شیوه کتابخانه ای صورت گرفته است و به تبیین عواملی می پردازد که منجر به توفیق می شوند.

بنابراین بعد از ارائه تعریفی از توفیق، به نقش عوامل توفیق در امتحانات الهی و آثار آن پرداخته شده است.

توفیق الهی که عامل موفقیت انسان در امور خیر است، نیاز به مقدماتی دارد که اعمال، کردار و منش انسان در زندگی، نقش مستقیمی در آن ایفا می کند. از جمله عوامل زمینه ساز توفیق، می توان به تقوای الهی و اینکه نگرش توحیدی باعث می شود که فرد از خدا غافل نگردد و در هر کاری که وارد می شود، برآن است تا خود را از خشم و غضب الهی در امان نگه دارد. بنابراین، هرگز کاری نمی کند که بر خلاف حکمت و مشیت الهی باشد. و صدق که از بهترین صفات نفس انسانی است، فرد وهم جامعه را به کمال می رساند. و ذکر خدا، شکر و..... از عوامل جلب توفیق در امتحانات الهی محسوب می گردد.

کلید واژه ها: امتحان، توفیق، صدق، تقوای الهی، حکمت

مقدمه

انسان برای دستیابی به کمالات می بایست انواع امتحانات را در زندگی دنیوی خویش پشت سر بگذارد. بنابراین، انسانی را نمی توان یافت که در زندگی اش با انواع و اقسام امتحانات و ابتلائات الهی مواجه نباشد از نظر آموزه های دینی (قرآن و روایات)، این امتحانات و ابتلائات شامل خیر و شر است از آنجا که زندگی بشر حتی برای پیامبران سرشار از انواع و اقسام شر و خیر به عنوان آزمون های الهی است، عبور از گردنه های امتحان الهی نیازمند «توفیق الهی» است. به این معنا که خدا می بایست امور را به گونه ای سامان دهد که انسان بتواند از آزمونها بویژه شرور به سلامت عبور کند و این آزمون های الهی موجب «جزع و فزع» و رفتارهای هیجانی و افراطی یا تفریطی نشود که می تواند گاه به کفر و کفران بینجامد و ابدیت شخص را به خطر اندازد؛ زیرا کسی که بر مصیبت های آزمون های الهی «صبر» نمی ورزد، ممکن است مواضع یا رفتارهایی را در پیش گیرد که مساوی با کفر یا کفران و در نهایت شقاوت ابدی است.

لذا انسان اگر بخواهد به خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت دست پیدا کند باید توفیقات الهی شامل حال او شود. در راه رسیدن به توفیقات الهی عواملی وجود دارند که از آیات و روایات بدست می آید، بطوری که در کسب سعادت و خوشبختی و موفقیت انسان سهم بالایی دارند. از آنجا که مردم در عصر حاضر به دلیل وجود مشکلات شدید اقتصادی و فرهنگی، کمتر مشمول توفیقات الهی می شوند، لذا در تحقیق پیش رو سعی کرده ام مهمترین عوامل رسیدن به توفیق الهی را بیان کنم تا گام کوچکی باشد در راستای تقویت روح معنوی زندگی عامه ی مردم و عبور سعادت‌مندان از شرور.

مفهوم توفیق

«توفیق» در لغت به معنای هرگونه سازگاری و مناسبت و همراهی بین دو چیز دلالت دارد.^۱ که در مصدر باب تفعیل از ریشه (و- ف - ق) است. و در اصطلاح یعنی، خداوند که مسبب الاسباب است، اسباب را به گونه ای موافق مصلحت انسان قرار دهد.

۱. ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۲۸

به عبارت دیگر توفیق عبارت از این است که خداوند اسباب را به نحوی منظم کند که شرایط انجام عمل صالح برای بنده فراهم گردد و موانع آن مرتفع شود.

در مقابل توفیق، خذلان قرار دارد. گاهی خدای متعال فردی را دچار خذلان می کند. خذلان نیز بی توفیقی، سلب توفیق و از میان بردن مقدمات و زمینه ها و اسباب برای وصول به مقصود است.

خداوند می فرماید: «وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ؛ اگر خداوند از شما سلب توفیق نماید و یاری تان نکند، پس کیست آن که شما را پس از او یاری دهد؟!»^۱

دلیل اینکه تنها از خدای متعال توفیق عمل می خواهیم این است که تنها توفیق دهنده خدا است و تنها او می تواند همه ی اسباب و مقدمات لازم را در اختیار بشر قرار دهد و از غیر او چنین کاری ساخته نیست. لذا یکی از مفسرین می نویسد: مقصود از «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» این است که خدایا! فقط از تو توفیق و کمک بر عبادت می خواهیم و معنای توفیق، درست کردن «همه» وسایل و اسباب آن چیزی است که انسان در پیدایش و ادامه زندگی انسانی نیاز به آن ها دارد و از این جهت کسی که دیگری را بر کاری کمک می کند، نمی گویند: به او توفیق داد؛ زیرا او می تواند تنها یک سبب باشد و یک قسمت کار را درست کند، اما جمع همه اسباب و مقدمات از قدرت افراد خارج و منحصر به خداست.^۲

اقسام توفیق

الف) تشریعی

توفیق بر دو نوع تکوینی و تشریعی تقسیم شده است. توفیق تشریعی، عبارت است از آن دستورات خداوندی که انسان ها با پیروی از آن ها، می توانند به رشد و خود شکوفایی برسند.

ب) تکوینی

توفیق تکوینی عبارت است از به جریان انداختن اجزاء و روابط تکوینی طبیعت و انسان در مجرای قانونی خود که نظم دقیق حاکم بر آن دو قلمرو، آن را اثبات می کند. هدایت تشریعی، عبارت است از آن دستورات خداوندی که انسان ها با پیروی از آن ها، می توانند به رشد و کمال خود برسند. در آیات قرآنی، هر دو نوع هدایت (تکوینی و تشریعی) از طرف خداوند مطرح شده است:

۱. آل عمران: ۱۶۰

۲. طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۴

۱. «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ. أَنِ كِتَابٌ (آسمانی است) که تردیدی در آن نیست و وسیله هدایت است برای مردمی که تقوا بورزند.»^۱

۲. «وَلَهْدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا؛ اگر به دستور ما عمل می کردند، قطعاً آنان را به صراط مستقیم هدایت می کردیم»^۲

۳. «قُلْ مَنْ أَنزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ؛ به آنان بگو: کیست نازل کننده کتابی که موسی آن را آورده است؟ کتابی که برای مردم نور هدایت است و شما آن را در قطعه هایی از کاغذ قرار داده، بعضی از آن ها آشکارا و اکثر آن را مخفی می کنید و برای شما چیز هایی تعلیم داده شد که نه شما می دانستید و نه پدرانتان. تو ای پیامبر، بگوالله، سپس آن تبهکاران را به حال خود بگذار تا در تمایلات حیوانی خود که فرو رفته اند، بازی کنند.»^۳

اهمیت توفیق

توفیق از مسائل حیاتی و سرنوشت ساز در زندگی انسان است، زیرا هنگامی برای انسان خیر و سعادت حاصل می شود که توفیق شامل حال او شود. در واقع توفیق، نوری است که با آن خداوند بصیرت بنده را روشن می کند.

عقل و فطرت، انسان را به سوی خداوند هدایت می کنند و خداوند برای هدایت او پیامبران و کتاب های آسمانی هم فرستاده است؛ ولی با این حال انسان به هدایتی دیگر نیز نیاز دارد که همان توفیق است، زیرا امور یاد شده در تحقق هدایت کامل و رسیدن به درجات قرب الهی کافی نیستند. انسان همواره میان توفیق و خذلان در نوسان است و چه بسا در ساعتی مقداری از این و مقداری از آن را داراست.^۴

عوامل جلب توفیق الهی

از آیات قرآن به دست می آید که توفیق یابی انسان برای عبور از امتحانات الهی، نیازمند عوامل و بستر هایی است که انسان باید آن ها را فراهم آورد. سپس هر انسانی هنگام گرفتار شدن به انواع و اقسام امتحانات خیر و شر از سوی خداوند باید دنبال عوامل توفیق برود تا خدا به او توفیق عبور در

۱. بقره: ۲

۲. نساء: ۶۸

۳. انعام: ۹۱

۴. جوزیه، مدارج السالکین، ج ۱، ص ۴۴۵

و نیز در خلاصه المنهج آمده که «شکر موجب دوام نعمت و سبب مزید آن است»^۱. امام صادق (علیه السلام): «ما أنعم الله على عبد من نعمه فعرفها بقلبه و حمد الله ظاهرا بلسانه فتم كلامه، حتى يؤمر بالمزيد»^۲ (خداوند چنانچه بنده ای را انعام نماید و او آن نعمت را به دل بشناسد و با زبان سپاسگزار باشد، هنوز کلام را به پایان نرسانده که پروردگار برای او فرمان می دهد به گشایش و فراوانی نعمت).

«لإن شکرتم، لأزیدنکم....»^۳ (اگر شکر نعمت بجای آورید، به نعمت شما می افزائیم...).

«شکر قید نعمت است و صید نعمت، یعنی نعمت حاصله را بند کنید و نگذارید که زائل شود و نا آمده را صید کنید و نگاه دارید و از علی (علیه السلام) است: إذا وصل إليکم اطراف النعم فلا تنفروا أقصاها بقله الشکر لها» یعنی (چون اوایل نعمت به شما رسید، اواخر آن را مرانید با اندک گردانیدن شکر).^۴

نقل شده که روزی مردی به پیامبر (صلی الله علیه وآله)، عرض کرد، سفارشی به من کنید. فرمودند: «....علیک بالشکر، فأنه یزید فی النعمه»^۵ شکر گذاری را پیشه ی خود ساز که سبب افزایش نعمت گردد. سپس اگر توفیقی حاصل شد و به مناجات و عبادت خدای متعال نائل گذشته، شکر او را به جای آورید و این نعمت را منتهی از جانب او بدانید، که این شکر نعمت، سبب مزید توفیق خواهد شد.

آثار توفیق

هرکسی که از عوامل توفیق برای عبور سالم از امتحانات الهی بهره گیرد. با نشانه ها و آثاری مواجه می شود که خود گواه روشنی از توفیق یابی اوست.

کسی که در هر آزمون خیر و شری یا پس از آن، به اعمال و کار های نیک می پردازد.^۶ و آداب و اخلاق را در همه حال رعایت می کند.^۷ افزون بر توفیق عبور از آزمون، موجب می شود تا خداوند محبوبیت اجتماعی را برایش مقدر کند و او را در اجتماع و میان امت ها به عنوان انسانی نیکو

۱. کاشانی، خلاصه المنهج، ج ۴، ص ۱۲۷

۲. نهج البلاغه، خطبه متقین

۳. ابراهیم: ۷

۴. کاشانی، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۵، ص ۱۲۴

۵. تحف العقول، ج ۳، ص ۵۸

۶. مائده: ۸، کهف: ۷، ملک: ۲

۷. حجرات: ۳، اسراء: ۸۴

معروف و مشهور سازد.^۱ و رحمت خاص خود را شامل حال او کند و شرایط بهتری را برای آینده اش رقم بزند.

در حقیقت عبور از آزمونی، شرایط را برای آزمون های دیگر الهی و تأثیرات مثبت آن افزایش می دهد.^۲ و چنین شخصی مورد عنایت خاص الهی قرار می گیرد و غیبت و سلام^۳ و صلوات الهی را به دست می آورد که او را در موفقیت بهتر و نیکوتری قرار می دهد و سلامتش را تضمین می کند، و خدا این امکان را فراهم می آورد تا همواره از امداد های ظاهری و غیبی برخوردار باشد؛ زیرا صلوات الهی به معنای بهره مندی از شرایط خاص موفقیت آمیز است و کسی که از صلوات الهی برخوردار می شود در حقیقت مورد عنایت دائمی و بهره مند از «صله» الهی خواهد بود؛ زیرا اتصال و وصل با خدا آثاری دارد که از جمله آن ها بهره مندی از رحمت خاص و امداد های الهی است.^۴ چنین شخصی می تواند از مقام امامت به معنای پیشوایی بهر مند شود، به شرطی که در زندگی خویش هیچ گونه ظلمی نداشته و حتی وحی شرک نورزیده باشد؛ زیرا شرک ظلم عظیم است.^۵

از نظر قرآن کسانی که توفیق عبور از امتحانات را داشته باشند، می توانند به مقام امامت برسند که از خواسته های بلند و والای هر انسان مؤمنی است. «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا...»^۶

موفقیت در امتحانات الهی سبب هدایت یافتگی انسان است؛ و انسان موفق در شرایطی قرار می گیرد که از هدایت خاص برخوردار می شود.^۷ تا جایی که شخص از اولیای خاص خدا قرار می گیرد.^۸

بنابراین توجه و تفکر به آثار مثبت توفیق در امتحانات الهی انسان را راغب می سازد که برای تحصیل آن ممارست کند تا افزون بر آخرت نیکو، زندگی دنیایی او هم آرام و موفقیت آمیز تر شود.

۱. صافات: ۱۰۲-۱۰۹

۲. انعام: ۱۶۵

۳. بقره: ۱۵۵-۱۵۷، صافات: ۱۰۲-۱۰۹

۴. بقره: ۱۵۵-۱۵۷

۵. بقره: ۱۲۴؛ لقمان: ۱۳

۶. فرقان: ۷۴

۷. بقره: ۱۵۵-۱۵۷

۸. بقره: ۲۴۹

نتیجه گیری

در این تحقیق، عوامل توفیق در امتحانات الهی از منظر آیات و روایات بررسی گردید. و برای تحقق و رسیدن به توفیق باید کوشید، توفیق از مسائل حیاتی و سرنوشت ساز در زندگی انسان است؛ زیرا زمانی برای انسان خیر و سعادت حاصل می شود که توفیق نصیب او گردد. در واقع توفیق، نوری است که با آن خداوند بصیرت بنده را روشن می کند. عقل و فطرت، انسان را به سوی خود هدایت می کند. فرض بر این است که با وجود انحرافات و وسوسه های شیطانی، انسان بتواند با عمل کردن به این عوامل که موجب رستگاری او هم در دنیا و هم در آخرت است، رستگار شود. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر آن است که انسان با عمل کردن به عوامل توفیق از جمله تقوای الهی، ذکر خداوند متعال، دعا کردن در جهت صراط مستقیم و..... بتواند در امتحانات الهی سربلند و توفیقاتی را هم در دنیا و هم در آخرت نصیب خود کند.

منابع :

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه، ترجمه دشتی
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، تحقیق محمد عبدالاسلام هارون، قم: مرکز نشر اعلام اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۴. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ترجمه محمد علی انصاری، موسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، قم، ۱۳۸۱
۵. حرّانی، ابومحمد، تحف العقول، حسن زاده، انتشارات آل علی (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۶. طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱.
۷. فتعلی خانی، محمد، آموزه های بنیادین علم اخلاق، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه وآله، ج ۱، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۹
۸. فیض کاشانی، ملا محسن، محجه البیضاء، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۹. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه ای، ناشر انتشارات دارالفکر، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲ و ۷۰، تهران، ۱۳۸۸ ق.
۱۱. کاشانی، ملا فتح الله، خلاصه المنهج، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۷۳ ش. (به نقل از جامع التفاسیر)
۱۲. همان، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران، ۱۳۳۶، ۱۹ ش.
۱۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۰، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۱۴. محدثی، جواد، برکرانه ی شرح چهل حدیث امام خمینی رحمته الله، مرکز نشرهاجر، چاپ هفتم، قم، ۱۳۸۹
۱۵. همان، درسنامه اخلاق، انتشارات بین المللی ترجمه و نشر مصطفی صلی الله علیه وآله، چاپ اول، قم، ۱۳۹۰
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب اسلامیة، تهران، سی و سوم، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. محمدری شهری، محمد، میزان الحکمه، شیفی، دارلحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۱۸. مطهری، مرتضی، ده گفتار، انتشارات صدرا.
۱۹. نراقی، محمد مهدی، جامعه السعادات، منشورات العلمیه للمطبوعات، چاپ چهارم، ج ۳، بیروت.